

مطالعه و تبیین جایگاه استراتژی سنگربندی برون مرزی در منظومه حکمرانی دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران

شهره پیرانی، محمدجواد فتحی

چکیده

بین امنیت و حکمرانی خوب پیوندی ناگسستنی برقرار است و از یک منظر مهم ترین کارویژه‌ی حکمران خوب تلاش جهت پدیدار ساختن امنیت سرزمینی - مرزی است. جمهوری اسلامی ایران در گستره‌ی بحران‌زا و چالش آفرین غرب آسیا قرار دارد و مشخصاً نواحی غربی آن از دیربار در معرض تهدیدات حیاتی بوده است. حکمرانان کنونی ایران علاوه بر استقرار یگان‌های کارآموده‌ی نظامی در مناطق مرزی، اتخاذ یک استراتژی برون مرزی به منظور دور نگه داشتن تهدیدات از مرزهای بین‌المللی را اهرمی مناسب می‌پندارند که فقدان آن تأمین و تثبیت امنیت در چنین محیط بحران - زایی را دشوار می‌سازد. سؤال اصلی پژوهش این است که استراتژی سنگربندی برون مرزی در منظومه‌ی حکمرانی دفاعی - امنیتی ایران از چه اهمیت و جایگاهی برخوردار است؟ فرضیه پژوهش این است که استراتژی سنگربندی برون مرزی جمهوری اسلامی ایران متشکل از سه لایه‌ی دفاعی در عراق، سوریه و لبنان بوده و در سپهر وجود عناصر قوام بخشی نظیر سپاه قدس، حزب الله لبنان، اتحاد با کشورهای سوریه و عراق، حشد الشعبی و داوطلبان شیعه همچون فاطمیون و زینبیون، نقش پایه‌ای در موفقیت الگوی حکمرانی دفاعی - امنیتی ایفا می‌کند و در شرایط کنونی عدم وجود چنین راهبردی، امنیت سرزمینی ایران از سوی آمریکا، رژیم صهیونیستی، سازمان‌های تروریستی - تکفیری و گروه‌های نیابتی عربستان و امارات در معرض تهدید قریب و جدی قرار خواهد گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایران با استفاده از بازدارندگی شبکه‌ای، استراتژی سنگربندی برون مرزی را عملیاتی ساخته و نتایج مطلوب این الگو در امنیتی سازی برای سرزمین و مرزها منجر به این شده تا در منظومه‌ی حکمرانی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. روش پژوهش کیفی بوده، مسئله اصلی با رویکرد توصیفی - تحلیلی بررسی شده و ابزار گردآوری داده‌ها نیز فیش برداری است.

واژگان کلیدی: سنگربندی برون مرزی، ایران، حکمرانی دفاعی و امنیتی، بازدارندگی شبکه‌ای، عمق استراتژیک.

مقدمه

مقوله دفاع و امنیت بنیان و اساس زیست فردی، اجتماعی و در مقیاس کلان محرک توسعه و پیشرفت یک کشور است. ترقی واحدهای سیاسی با هر قرائت، تفسیری، گرایش و ایدئولوژی از اسلامی گرفته تا سکولار و لائیک از مسیر عینیت

یافتگی و برقراری فضای آرام و باثبات عبور می‌کند. از این نظرگاه مسئله امنیت و مصونیت سرزمینی به میزانی حائز اهمیت است که غالباً مهم‌ترین و برجسته‌ترین کار ویژه حکمران خوب بر روی آن متمرکز است. فقدان امنیت چه در سطح فردی و چه در مقیاس کلان اجتماعی، نوعی گرایش طبیعی یا تحمیلی به انزوا و انحطاط را به وجود می‌آورد. امروزه ضرورت شکل‌گیری سامانه یکپارچه، پیشرفته و هدفمند دفاعی، برجسته‌ترین پیشرانی است که فقدان یا پدیدار شدن به موقع و دقیق آن نقش ارزشمندی در قوام بخشی به پایه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا و چانه زنی گستره جهانی دارد. درخور توجه است که غرب آسیا آوردگاه بحران‌ها، بی‌ثباتی‌ها و چالش‌آفرینی قدرت‌های برون منطقه‌ای است. چنین موارد تهدید زایی با قرارگیری در گرداگرد جغرافیای سرزمینی ایران در ادوار مختلف مخاطرات بالقوه و بالفعلی را متبلور ساخته است. تحت چنین شرایطی حساسی تلاش جهت مصون ساختن مرزها و سرزمین کشور، اولین اقدامی است که در دستور کار مطالعاتی و عملیاتی حکمرانان نظام ایران قرار گرفته است. باید توجه داشت که حکمرانان که در حقیقت کانون‌های اصلی فکر و تصمیم‌سازی هستند تأمل جدی در خصوص ماهیت، علل بروز، امکان‌سنجی، چرایی و چگونگی هر کدام از پدیده‌های ضد امنیتی و ضد دفاعی را در اولویت قرار داده و متناسب با هر کدام از آن‌ها الگوی رفتاری ویژه‌ای تجویز می‌کنند. ایران از یک رانت ویژه به نام موقعیت استراتژیک برجسته بهره می‌گیرد، از سوی دیگر با توجه به اینکه از نواحی غربی با تعدد و تنوع تهدیدات مواجه است، لذا تمرکز حکمرانان آن بیشتر بر محور ایجاد سامانه‌ی دفاعی پیشرفته در این ناحیه متمرکز است. موازن بودن تهدیدات با مرزهای رسمی کشور بزرگ‌ترین تهدیدی است که هم حکمرانان ایران از آن هراس داشته و هم اینکه دشمنان قصد جامه عمل پوشاندن به چنین مسئله‌ای دارند، لذا حکمرانان ایران گزیر و گریزی از بهره‌مندی از یک استراتژیکی هدفمند، واقعی و آزموده شده با هدف دور ساختن تهدیدات از کشور ندارند. سازمان‌دهی مقاله به این صورت است که در فراز اول مبانی نظری پژوهش تشریح می‌گردد، در بخش دوم پیوند میان حکمرانی و امنیت ملی - سرزمینی بررسی می‌شود، سپس ذیل بخش سوم استراتژی سنگربندی برون‌مرزی و دستاوردهای آن بررسی شده، در وهله بعد عناصر قوام بخش به این استراتژی تشریح می‌گردد، در بخش پنجم جایگاه استراتژی مزبور در منظومه حکمرانی دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می‌شود.

تهدیدات نظری و مفهومی: بازدارندگی شبکه‌ای

بازدارندگی رایج‌ترین سیستمی است که کشورها جهت مقابله با تهدیدات خارجی در چرخه استراتژیک موجود به طراحی آن اقدام می‌کنند. الگوی بازدارندگی، استراتژی‌های امنیتی گوناگونی را بر اساس مؤلفه‌های امنیت ملی کشورها در هر زمان مشخص می‌نمایند. برخی مواقع حوزه‌های استراتژیکی کشور مورد تهدید قرار می‌گیرند و گاه حوزه‌های

ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی، بر این اساس با توجه به نوع تهدید، کشورها به دنبال اتخاذ استراتژی متناسب با آن هستند (عباسی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۳)؛ در شرایط کنونی نظر به اینکه کماکان صلح و ثبات در سیستم بین الملل و زیرسیستم های منطقه ای برقرار نشده است و رقابت های زیادی میان قدرت های جهانی و بازیگران درون منطقه ای برقرار است، هر کدام در تلاش هستند تا با استفاده از اهرم های مختلف، اقدام به بازداشتن رقبا از تهاجم علیه موجودیت خود، منافع حیاتی و همچنین متحدان راهبردی کنند.

به لحاظ مفهوم شناسی در رابطه با بازدارندگی استراتژیکی همواره باید یک یا چند بازیگر مهاجم وجود داشته باشند و به علاوه کنشگر دیگر آن ها را به مثابه تهدید قلمداد کند، سپس با بهره گیری از ظرفیت های داخلی و اتحاد سازی خارجی اقدام به موازنه سازی در راستای بازداشتن تهدید متصور شده یا عینیت یافته نماید (rajmil, 2015:396). به همین خاطر کشورها به واسطه ای داشتن اهداف متعارض، همیشه در معرض اقدام یا اقدامات نامطلوب رقبا قرار داشته اند و این موضوع به ویژه در خصوص همسایگان از ضرورت بیشتری برخوردار بوده است.

بازدارندگی شبکه ای یکی از مصادیق بارز نظریه بازدارندگی است. سیستم بازدارندگی شبکه ای بر ارتباطات درون شبکه ای^۱ و بین شبکه ای^۲ از جمله ارتباط بین حلقه ای^۳ و محور^۴ متمرکز است. در این سیستم هدف حفظ نظم مطلوب خود و جلوگیری از رفتارهای نامطلوب دشمن یا متخاصم هست. در بازدارندگی شبکه ای جریان ارتباطات بین حلقه ها و محورها برای کنترل دشمن و خنثی سازی اقدامات آن ها استفاده می شود. به عبارتی با تضعیف یا تقویت ارتباطات یا سمت گیری آن ها به سمت حلقه های خاص، در جهت ایجاد بازدارندگی استفاده می شود.

در شبکه سازی^۵، هدف اساسی پیوند بین حلقه های مختلف و به عبارتی واحدها و حوزه های استراتژیکی و ژئوپلیتیکی با یکدیگر است، به گونه ای که در صورت حمله به نقطه ای خاص از آن، سایر حلقه ها یا نقاط تحت تأثیر قرار گرفته و عکس العمل آنان را برانگیزد و از این طریق هزینه دشمن شدیداً افزایش یابد و بدین سبب از حمله منصرف شود. متضرر نمودن دشمن از طریق شبکه های کاربردی، ایجاد اختلال در شبکه و در نتیجه درگیر ساختن همزمان دشمن در بحران های مختلف، افزایش تعداد طرف های درگیر در بحران و افزایش فشارهای بازدارنده بر دشمن، افزایش احتمال ائتلاف و اتحاد علیه دشمن، افزایش احتمال سرایت بحران ها از سطح محلی و منطقه ای به سایر سطوح افقی از جمله

¹ - Inside Network

² - Between Network

³ - Between The Ring

⁴ -Axis

⁵ - Networking

جهانی و در نتیجه بالا بردن هزینه دشمن و بازدارندگی در برابر اعمال نامطلوب آنها (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۹۲)، جزء مهم‌ترین کاربردهای بازدارندگی شبکه‌ای است.

پیوند امنیت ملی و حکمرانی خوب

برقراری امنیت بزرگ‌ترین کار ویژه کارگزاران یک سیستم سیاسی است که شهروندان از آنها انتظار دارند. تابعان یک سیستم سیاسی در وهله اول مطالبه گر امنیت هستند و در سایه آن خواهند توانست امنیت روانی و فیزیکی لازم را کسب نمایند. جهت درک بهتر پیوند امنیت ملی و حکمرانی خوب ابتدا لازم است که این دو مؤلفه به لحاظ مفهومی و اهمیت مورد مذاقه قرار گیرند.

امروزه ارتقاء حکمرانی خوب تقریباً به بخش مهمی از برنامه کشورها مبدل شده است و یک مسئله اجتناب‌ناپذیر است. حکمرانی خوب بر روند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات متمرکز است. خوب بودن سیستم حکمرانی به مفهوم اتخاذ تصمیم‌گیری درست نیست، بلکه در این خصوص بحث می‌کند که بهترین فرایند ممکن برای تصمیم‌گیری و عملیاتی ساختن تصمیمات کدام است. امروزه مطالعه الگوی حکمرانی خوب در ادبیات علوم سیاسی، علوم اداری و مطالعات توسعه بسیار برجسته است. کیفیت حکومت‌ها غالباً با عملکرد نهاد مربوط مورد قضاوت قرار می‌گیرد. اکنون به طور گسترده‌ای پذیرفته شده که دلایل اصلی محرومیت و رنج انسان‌ها فقط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیست، بلکه ریشه آن عمدتاً حکمرانی ضعیف و نامطلوب است. از این نظرگاه یک حکومت خوب مهم‌ترین عامل در ریشه‌کن کردن بسیاری از مشکلات و تهدیدات در تمامی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی و زیست‌محیطی است و بالعکس (Gisselquist, 2012). مدیریت خوب از سوی مسئولان چه در رابطه با سیاست داخلی و چه خارجی اهمیت به مراتب بیشتر از وجود منافع زیرزمینی و روزمینی دارند. هنگامی که در یک کشور الگوهای حکمرانی و مدیریت نامناسب باشند وجود منابع زیاد و سرزمین حاصلخیز به تنهایی منجر به توسعه‌یافتگی نخواهد شد. در دنیای روابط بین‌الملل کشورهای زیادی وجود دارند که به لحاظ منابع طبیعی تهی می‌باشند و تنها سرمایه وجودی آنها الگوی حکمرانی مناسب و مدیریت مطلوب است.

بر اساس یکی از تعاریف مورد وثوق سازمان ملل متحد در خصوص حکمرانی خوب چنین آمده که: «حکمرانی خوب یکی از ستون پایه‌های تحقق اهدافی نظیر توسعه پایدار، رفاه و صلح است. وضع هیچ‌یک از کشورها به این لحاظ دقیقاً یکسان نیست، اما به طور کلی صرف نظر از اختلافات فرهنگی، حکمرانی خوب حاکمیت قانون، نهادهای مؤثر دولتی، شفافیت و پاسخگویی در مدیریت امور عمومی، احترام به انسان، احترام به حقوق و مشارکت معنادار همه شهروندان در

پروژه‌های سیاسی کشورهايشان و تصميم‌گيري‌هایی که بر زندگي آنها تأثير می‌گذارد را شامل می‌شود» (un document - a/52/1,1997). همان‌طور که از تعريف فوق استنباط می‌شود حکومت خوب یک اصطلاح چندبعدی است که گام اصلی و اولیه و پیش‌شرط توسعه یک واحد سیاسی است. به طور کلی حکمرانی خوب به معنای هنر حکومت‌داری است که در آن کلیه تصمیمات عمومی و سایر امور به صورت شفاف گرفته شده و اجرا می‌شوند، مقامات دولتی با مسئولیت‌پذیری کارها را انجام می‌دهند و منصوب شدن آنها مبتنی بر شایستگی است، با انجام کار ویژه‌های قانونی، حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی شکاف بین دولت و مردم برطرف شود. هنگامی که تصمیمات و اقدامات یک دولت مبتنی بر رضایت مردم، مشروعیت و پاسخگویی به آنها باشد، حکومت از منظر مردم خوب است. حکومت خوب برای تحقق آرزوهای مردم باید تلاش کند. آرزوها باید مبتنی بر حس واقع‌گرایی و پویایی باشند. امروزه، حکومت خوب نه تنها از جایگاه اصلی در گفتمان توسعه برخوردار است، بلکه به عنوان یکی از عناصر مهم در ساختن ملت نیز محسوب می‌شود (Ali,2013:75).

یکی از ابعاد حکمرانی خوب بحث امنیت و ثبات است. امنیت یک مفهوم اساساً بحث‌برانگیز¹ است. به واسطه اینکه جهان‌بینی افراد، منافع کشورها و خوانش و تصور آنها از پدیده‌ها متفاوت است. به عنوان مثال رخ‌نمایی یک وضعیت برای یک کنشگر به مثابه چالشی عمده و دشواری امنیتی قلمداد می‌شود، در صورتی که همان وضعیتی برای کنشگر مقابل یک فرصت محسوب می‌شود. به طور کلی برقراری امنیت و ثبات و مقابله با تهدیدات و عوامل بی‌ثبات ساز در کانون سیاست‌گذاری کشورها قرار داشته است. امنیت منحصر به یک بعد خاص و منفرد نبوده و شامل ابعاد مختلف می‌شود. گروه بین‌المللی بحران² امنیت را به ابعادی نظیر امنیت ملی³ (آزادی از ترس از درگیری نظامی و مقابله با مخاطرات خارجی)، امنیت جامعه⁴ (رهایی از ترس و خشونت، حاکمیت قانون و نظم و پیاده‌سازی یک سیستم عادلانه و پایدار)، امنیت شخصی⁵ (رهایی از ترس فردی و به تعبیری مصون ماندن در آمد، مسکن، بهداشت و برقراری وضعیت شغلی و فرصت آموزشی؛ آزادی شخصی آزادی در جابجایی، حرف زدن، زندگي با عزت و بدون تبعیض و مشارکت در روند سیاسی) و امنیت محیطی⁶ (آزادی زندگي، کار و سرگرمی) تقسیم می‌کند. (Khan,2010:335)؛

¹ - essentially contested

² - International Crisis Group

³ - National security

⁴ - Community security

⁵ - Personal security

⁶ - Environmental security

امنیت ملی دامنه‌ای بسیار گسترده دارد و رشته‌های مختلف (از جمله جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، تاریخ، اقتصاد و برخی رشته‌ها دیگر) و حوزه‌های تخصصی (نظیر جنگ، بحران، مهمات، طرق انتقال اسلحه، بودجه و غیره) را شامل در بر می‌گیرد. والتر لیپمن^۱ در تعریف امنیت ملی می‌گوید: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد» (Lippman, 1943: 51). آرنولد ولفرز^۲ نیز در این رابطه می‌گوید: «امنیت ملی عدم تهدید نسبت به ارزش‌های اکتسابی^۳ و حیاتی است و هنگامی افزایش پیدا می‌کند که توانایی یک ملت برای بازدارندگی در برابر عناصر مهاجم افزایش پیدا کند و حتی آن را شکست دهند» (Wolfers, 1962: 151).

شهروندان یک کشور به تنهایی قادر به حفظ امنیت خود و هم‌نوعان نیستند بلکه با انتخاب نمایندگانی و تبعیت از آن‌ها خواسته‌های امنیتی خود به آن‌ها برون‌سپاری می‌کنند. در حقیقت نمایندگان مردم همان حکمرانانی هستند که بوسلیه مردم بر مسند قدرت قرار گرفته‌اند. یکی از مطالبه‌های پایدار ساکنان یک کشور از نمایندگان خود مصون ماندن از خطر تهاجم عناصر خارجی است که به مناطق جغرافیایی محل زیست آن‌ها چشمداشت دارند. شهروندان در وهله اول مطالبه گر فزون سازی مقوله امنیت هستند تا اینکه افزون طلبان حوزه رفاه مادی باشند. مردم یک کشور که از رانت سرزمین‌های غنی و دشت‌های حاصلخیز به لحاظ منابع طبیعی بهره می‌گیرند در صورت عدم دفاع حکمرانان از آن‌ها به سرعت و سهولت مورد تهاجم و تسلط مهاجمان قرار خواهند گرفت. در چنین مواقع تهدید زایی حکمرانی خوب پتانسیل خود در معرض محک سنجی قرار می‌دهد. از این منظر مقوله امنیت ملی از الگوی حکمرانی خوب تفکیک‌ناپذیر است و جدایی بین این دو اساساً وجود یک کشور را بی‌معنا می‌سازد. حکمرانی خوب با جلوگیری از ناامن شدن جغرافیای سرزمینی یک کشور و اطمینان خاطر از اینکه عامل خارجی شهروندان و کشور را تهدید نمی‌کند در حقیقت این پنداره را ایجاد می‌کند که در انجام کار ویژه خود موفق بوده است.

اینک آشکار می‌شود که پیوند تفکیک‌ناپذیر بین مقوله حکمرانی خوب و امنیت سرزمینی و مرزی وجود دارد. امنیت پیش‌شرط اساسی فعالیت یک انسان و کشور توسعه‌گرا است. مفهوم امنیت تمام جنبه‌های زندگی را در بر می‌گیرد و حکمرانان لازم است که با هر شرایط ناامن کننده که زیست مردم را به خطر اندازد مقابله کنند. دولت‌ها باید محیطی ایمن را فراهم کنند که به مردم امکان دهد اهداف اقتصادی و اجتماعی خود را بدون اضطراب و ترس ناخواسته^۴ دنبال

^۱ - Lippman-walter

^۲ - Arnold Wolfers

^۳ - acquired values

^۴ - undue anxiety and fear

کنند. فقدان امنیت ملی احساس امنیت روانی و حس آزادی را از افراد یک جامعه سلب می‌شود و چنین احتمالی وجود دارد که روند پیشرفت یک کشور متوقف‌شده یا با کندی پیش رود. لذا گرانیگاه اصلی حکمرانی خوب در وهله اول برقراری امنیت و ثبات است و حاکم در سپهر چنین فضیلتی خواهد توانست سایر کار ویژه‌های خود را جامه عمل بپوشاند. لذا بدون وجود امنیت هیچ حکمرانی موفق نخواهد شد که خود را در درون کشور به عنوان یک نظام موفق به پیروان معرفی کند و در مقیاس منطقه‌ای و برون منطقه‌ای قدرت چانه‌زنی زیادی نخواهد داشت.

استراتژی سنگربندی برون مرزی: ضرورت، ماهیت و اهداف

بررسی تاریخ معاصر غرب آسیا نشانگر این است که ناحیه غربی ایران برجسته‌ترین تهدیدها را برای این کشور در پی داشته است. این تهدیدها برای مدتی توسط کشورهای استعمارگر فرانسه و انگلیس پدیدار شده بود که قصد داشتند در ترسیم نقشه خاورمیانه و ذیل قرارداد سایکس - پیکو بخش‌هایی از ایران را نیز جدا سازند. از سوی دیگر در دوره رژیم صدام ایران و عراق اختلافات مرزی زیادی با یکدیگر داشتند تا اینکه با تحریک جبهه غربی جهت تهاجم به خاک ایران در یک جنگ فرسایشی مقابل همدیگر قرار گرفتند. پس از سقوط صدام نیز به ترتیب تهدید آمریکا و سپس تروریسم از ناحیه غرب کشور عینیت یافت. به این صورت محیط غربی بستر ساز ناامنی‌های ادواری متعدد و متنوعی برای ایران گشته است.

باید توجه داشت که برخلاف برخی کشورها که از طرف هر دو طرف توسط اقیانوس‌های وسیع محافظت می‌شود و در مرزهای جنوبی و شمالی خود دارای همسایگانی با الگوی روابط دوستانه هستند، ایران از هر طرف در معرض آسیب‌پذیری است. دفاع روی خاک در قیاس با دفاع دریایی به مراتب سخت‌تر است. چرا که حمله به یک کشور از طریق دریا انرژی گسترده‌ای از کنشگر مهاجم خواهد گرفت و اساساً سیالیت و بی‌قراری دریا نیروهای متجاوز را در معرض خطر و شکست قرار می‌دهد. کشور هدف قرار گرفته نیز می‌تواند به نحو بهتری دفاع را از ساحل انجام دهد. منتها ایران مرزهای خاکی گسترده‌ای دارد و دفاع از تمام این مرزها کار سخت و پیچیده‌ای است. این مسئله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که در نظر داشت که ایران از ناحیه مرزهای دریایی در معرض تهدید جدی و قریب نمی‌باشد و به علاوه قادر است که استراتژی دفاع ساحلی را از فواصل زمانی دورتر و با صرف هزینه مالی و تلفات کمتر انجام دهد. منتها این مسئله در خصوص نواحی غربی ایران صدق نمی‌کند و شرایط سرزمینی و ماهیت تهدیدات نیز در قیاس با مخاطرات دفاعی دریایی متفاوت است.

ایران با توجه به وجود چنین تهدیدهایی استراتژی دفاع سه لایه‌ای یا سه سنگری را طرح دیده است. این استراتژی از مرزهای ایران شروع شده و تا شرق مدیترانه امتداد می‌یابد. لایه اول دفاعی از مرزهای ایران شروع شده و تا بخش گسترده‌ای از خاک عراق را در بر می‌گیرد؛ لایه دفاعی دوم بخش شرقی خاک عراق و تا حومه‌ی غربی شهر دمشق و مرزهای واقع در بلندی‌های جولان را شامل می‌شود و لایه‌ی دفاعی سوم متمرکز بر لبنان، فلسطین و سواحل مدیترانه است. به لحاظ اولویت‌سنجی باید گفت که معمولاً حلقه‌ی امنیتی - دفاعی اول بیشترین اهمیت را برای حکمرانان ایران دارد منتها در شرایط کنونی نظر به برقراری امنیت نسبی در حلقه‌ی اول، به نظر می‌رسد که اکنون تمرکز ایران بر روی حلقه‌ی دفاعی دوم است؛ چرا که امروزه سنگر دوم دچار بی‌ثباتی شده است. واقعیت این است که تا قبل از وقوع بحران در حلقه‌ی دفاعی دوم، ارتباط ایران با شرق مدیترانه با سهولت و هزینه‌ی به مراتب کمتر صورت می‌گرفت و ایران آزادی عمل بیشتری جهت نقش‌آفرینی در مسائل شرق مدیترانه داشت (Bartell and Gray, 2012:136). منتها بحران سوریه حتی حلقه‌ی سوم را تهدید می‌کند؛ زیرا از بین رفتن نفوذ ایران در حلقه‌ی دوم، بدون تردید پایداری نفوذ ایران در حلقه سوم یا مناطق واقع در شرق مدیترانه و چانه‌زنی در مسائل لبنان را نیز با تردید جدی مواجه خواهد ساخت و نهایتاً با از دست رفتن سنگرهای دفاعی ایران در سوریه و لبنان دشمنان و رقبای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قادر خواهند بود به تدریج به مرزهای ایران نزدیک شوند. نقشه ذیل مؤید استراتژی دفاع سه لایه‌ای یا سه سنگری ایران در منطقه‌ی غربی است.

نقشه ۱، استراتژی دفاع سه لایه‌ای یا سه سنگری



Source: <https://www.lemonde.fr>, 2015

در حقیقت هر کدام از این لایه‌ها حکم یک سنگر دفاعی مستحکم را دارند. ایران قادر خواهد بود سیاست‌های توسعه‌طلبانه دشمنان منطقه‌ای را قبل از نزدیک شدن به سرزمین ایران به وسیله این سنگرهای بازدارنده متوقف سازند. استفاده به موقع و دقیق از لایه‌های دفاعی فوق در بحران‌های اخیر سوریه و عراق جهت جلوگیری از حرکت ماشین جنگی سازمان‌های تروریستی و نیروهای نیابتی محور عبری، عربی و غربی به سمت مرزهای ایران، اهمیت استراتژی سنگربندی برون‌مرزی یا دفاع در عمق را آشکار ساخت. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با خانواده‌های شهدای مدافع حرم در این خصوص بیان می‌دارند که: «امتیاز شهدای شما این است که با دشمنی مبارزه کردند که اگر مبارزه نمی‌کردند دشمن می‌آمد داخل کشور و اینجا باید با او مبارزه می‌شد. آن دشمنی که در فلان استان عراق یا فلان استان سوریه جلوی گرفته شد، اگر جلوی گرفته نمی‌شد، ما باید با او در کرمانشاه و در همدان و بقیه‌ی استان‌ها می‌جنگیدیم و جلوی او را می‌گرفتیم. در واقع این شهدای عزیز ما رفتند و جان خودشان را در راه دفاع از کشور، ملت،

دین، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی فدا کردند» (بیانات رهبری در دیدارهای با خانواده‌های شهدای مدافع حرم، ۱۳۹۷/۱۲/۲۲).

عناصر قوام‌بخش راهبرد سنگربندی برون‌مرزی

طرح و پیاده‌سازی هر ایده‌ی استراتژیکی تابعی از وجود پیشران‌ها و عناصر محرکه‌ای است که در نقش بازیگران کلیدی جهت عملیاتی نمودن ایده‌ها مثر ثمر واقع شوند. ایده‌ها غالباً پیامدهایی در پی دارند، پیامدها نیز مثبت و منفی خواهند بود، در صورتی که حکمرانان علاوه بر ایده‌های مطلوب نیروهای قوام‌بخش و کارآزموده‌ای به منظور پیش‌بری طرح‌های راهبردی داشته باشند غالباً دستاوردها و پیامدها نیز مفید است. ایران نیز به منظور پیاده‌سازی راهبرد سنگربندی برون‌مرزی غالباً مجموعه طرح‌های خردی از جمله شبکه‌سازی نیابتی را در دستور کار قرار داده است. شبکه‌هایی که هر چند در کشورهای دیگر ایفای نقش می‌کنند، منتها در حقیقت ریسمان‌های نگه دارنده انقلاب اسلامی هستند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می‌دارند که: «اصلاً یکی از ابعاد این انقلاب و به قول معروف عمق استراتژیک انقلاب ما همین است و دشمنان، همین را می‌خواهند از ما بگیرند. مثل این است که انسان خیمه‌ای داشته باشد و ده‌ها ریسمان در ده‌ها سرزمین، با میخ‌های بلند آن را کوبیده باشد. این خیمه به گونه‌ای استوار و پابرجا می‌ماند که هیچ توفانی نمی‌تواند آن را تکان دهد» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴). مقصود مقام معظم رهبری از این ریسمان‌ها همان عناصر و نیروهای محرکه‌ی واقع در سنگرهای برون‌مرزی است. به طور کلی عناصر قوام‌بخش استراتژی سنگربندی برون‌مرزی عبارت‌اند از:

سپاه قدس

سپاه قدس شاخه‌ی برون‌مرزی، آماده و رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران است. افراد حاضر در این یگان به واسطه شرکت در دوره‌های عملیات ویژه از تجربه و تبحر بسیاری بالایی در دفاع از منافع برون‌مرزی ایران برخوردار هستند. این گروه در حقیقت کار ویژه اصلی آن ورود به سنگرهای برون‌مرزی ایران در نواحی مختلف منطقه غرب آسیا است. تشکیل این شاخه از سپاه نشان می‌دهد ایران دامنه اهداف خود در را ماورای جغرافیای سرزمینی خود تعریف کرده است. کارزار بحران سوریه و موفقیت‌های کسب شده علیه گروه‌های تروریستی توان بسیار بالای سپاه قدس را نشان داد. نیکولاس هراس^۱ کارشناس مرکز امنیت نوین آمریکا در مقاله‌ای تحت عنوان ستون پنجم عراق: شبکه نیابتی

^۱ - Nicholas A. Heras

ایران^۱ با اذعان به پتانسیل قابل توجه سپاه قدس می‌گوید: «نیروی قدس اساساً سازمانی است که جنگ‌های نامنظمی^۲ را انجام می‌دهد، غالباً جنگ‌های نامتقارن و عملیات دفاع ملی خارجی^۳ را در هم می‌آمیزد. از این لحاظ با نیروهای ویژه ارتش آمریکا تفاوتی ندارد. عراق و از سال ۲۰۱۱ سوریه عرصه‌های مهمی برای نیروهای قدس است» (Heras, 2017:3).

عده‌ای بر این باور بودند که سپاه قدس به واسطه عدم آشنایی با شرایط جغرافیایی و توپوگرافی سوریه شکست خواهد خورد، منتها باید گفت سپاه قدس به همان میزان که بر سرزمین ایران اشراف دارد، به میزان وسیع‌تر از آن بر فضای سرزمینی غرب آسیا و بالأخص سوریه و لبنان آشنایی اطلاعاتی و عملیاتی دارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با فرماندگان سپاه در خصوص اهمیت عملیات فرامرزی شاخه سپاه قدس بیان می‌دارند که: «این نگاه وسیع جغرافیای مقاومت را از دست ندهید؛ این نگاه فرامرزی را از دست ندهید. قناعت نکنیم به منطقه‌ی خودمان: ما غُزِی قَوْمٍ قَطُّ فی عَقْرِ دَارِهِمْ اَلَا ذَلُوا؛ این حدیث از معصوم (علیه السلام) است که آن کسانی که در خانه نشستند تا به آنها حمله بشود دچار ذلت شدند. این جوری نباشد که یک چهاردیواری را انتخاب کنیم و دیگر کارمان به این نباشد که پشت این دیوار چه کسی است، چه تهدیدی وجود دارد. این نگاه وسیع فرامرزی، این امتداد عمق راهبردی گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است که مورد توجه قرار بگیرد که خیلی‌ها متوجه به این نیستند، خیلی‌ها توجه به این ندارند. حالا بعضی‌ها هم توجه دارند و به نفع دشمن حرف می‌زنند مثلاً می‌گویند «نه غزه، نه لبنان» - اما خیلی‌ها هم توجه ندارند؛ واقعیت این است. این نگاه به این منطقه‌ی وسیع جغرافیایی که جزو وظایف و جزو مسئولیتهای سپاه است، نگذارید در داخل سپاه تضعیف بشود» (دیدار هزاران نفر از فرماندهان سپاه با رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸/۷/۱۰).

حزب‌الله لبنان

حزب‌الله لبنان با قدرت مانوردهی و پتانسیل ویژه در نبردهای غیر کلاسیک و نامتقارن برجسته‌ترین نیروی رزمی متحد ایران در منطقه است. این گروه با آمادگی، تجربه جنگی و اعتماد به نفسی که در نتیجه پیروزی‌های پیشین در مقابل رژیم صهیونیستی کسب کرده بود اکنون لایه دفاعی سوم را در کرانه‌های دریای مدیترانه در برابر اسرائیل تشکیل داده است. حزب‌الله به دلیل توانایی در حمله به اسرائیل به منافع ایران خدمت می‌کند و بنابراین به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر حملات احتمالی این رژیم علیه ایران عمل می‌کند. البته باید توجه داشت که حزب‌الله صرفاً کارت بازی برای

¹ - Iraq's Fifth Column: Iran's Proxy Network

² - irregular warfare

³ - Foreign Internal Defense (F.I.D.)

ایران نیست. در حقیقت امروز جواهر تاج محور مقاومت اسلامی است (Hashem,2017:43). جمهوری اسلامی وجود یک عامل بازدارنده قدرتمند در مرزهای اسرائیل را ضروری می‌داند. برای حزب‌الله نیز حفظ پیوند با ایران بسیار مهم است و در صورت از بین رفتن مسیر مطمئن پیوند با ایران در محاصره اسرائیل و رژیم‌های عربی قرار خواهند گرفت و امکان شکست و تضعیف شدید آن در یک نبرد همه‌جانبه و فرسایشی محتمل است.

باید توجه داشت که حفظ سنگر سوم ایران که حزب‌الله قوام‌بخش آن است بدون حفظ سنگر دوم دشوار می‌گردد. از این نظرگاه سوریه به عنوانی یکی از پیشران‌های مبارزه با اسرائیل سنگر اصلی قوام‌بخش لایه امنیتی سوم است. در صورتی که دولت سوریه سقوط کند حزب‌الله در مرزهای رژیم صهیونیستی با دشواری‌های شدیدی مواجه خواهد شد. با درک چنین تهدیدی حزب‌الله به همراه ایران در بحران سوریه نه تنها از سقوط متحد خود جلوگیری کرده‌اند، بلکه موازنه قوا را نیز به شدت علیه دشمنان تغییر داده‌اند و اکنون سنگر بازدارنده در برابر اسرائیل تقویت شده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب بیان می‌دارند که: «ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است؛ و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۷).

سوریه

سوریه به عنوان قلب جهان عرب، عمق استراتژیکی^۱ ایران و حلقه واسطه محور مقاومت^۲ است و مهم‌ترین و تأثیرگذارترین متحد منطقه‌ای ایران به شمار می‌رود. همانطور که نفوذ ایران در لبنان به این کشور قابلیت تأثیرگذاری بر روی مسائل فلسطین و حمایت از گروه‌های آزادی‌خواه نظیر حماس را می‌دهد، نفوذ ایران در سوریه امکان برقراری ارتباط با حزب‌الله لبنان و شرق مدیترانه را فراهم می‌سازد. سنگر سوریه پشتوانه و قوام‌بخش سنگر واقع در کرانه‌های دریای مدیترانه در برابر رژیم صهیونیستی است. در حقیقت کشور سوریه می‌تواند به عنوان یک ایجاد منطقه حائل^۳ و یا

1 - strategic depth

2 - Axis of Resistance

3- Buffer Zone

سپر و حفاظ برای سرزمین اصلی ایفای نقش کنند. از سوی دیگر نفوذ بیشتر ایران در سوریه، منجر به گسترش حوزه‌های نفوذ این کشور و وسعت یافتن جغرافیایی درگیری با رقبایی نظیر عربستان و آمریکا خواهد شد و آن‌ها را از تنش‌آفرینی در مناطق پیرامونی ایران همچون عراق، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، آذربایجان در بلندمدت بر حذر خواهد داشت. به همین خاطر مهدی طائب فرمانده قرارگاه عمار در همین رابطه می‌گوید: «سوریه استان ۳۵ ایران است اگر ما آن از دست دهیم. قادر به نگه‌داشتن تهران نخواهیم بود» (Sadjadjpour, 2018: 1). تأکید وی روی این مسئله حاکی از اهمیت سوریه جهت دور نگه‌داشتن دشمن از مرزهای بین‌المللی و سرزمین ایران است. در صورتی که ایران تنها متحد خود در منطقه را از دست بدهد، این احتمال وجود دارد که با کاهش چشمگیر و فزاینده نفوذ استراتژیک خود در غرب آسیا مواجه شود (Yan, 2013).

اقدام ایران در راستای جلوگیری از سقوط دولت اسد را از نظرگاه ایجاد بازدارندگی^۱ و نزدیکی به خطوط قرمز^۲ اسرائیل می‌توان تبیین کرد. سقوط اسد منجر به بیشینه‌سازی امنیت و قدرت اسرائیل می‌گردد؛ و بالعکس قدرتمندی سوریه بیشینه‌سازی امنیت و سطح قدرت ایران را در پی دارد؛ زیرا به همان صورت که اسرائیل درصدد تقویت روابط خود با کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و اقلیم نیمه خودمختار کردستان عراق است و این مسئله را به عنوان ورود به حیاط خلوت ایران دارد، ایران نیز تلاش می‌کند با ورود به حیاط خلوت رژیم اسرائیل نوعی اهرم بازدارنده را در برابر تلاش‌های و اقدامات تحریک‌آمیز این رژیم ایجاد کند. سقوط بشار اسد آینده حزب‌الله را که به عنوان اهرمی بازدارنده نامتقارن^۳ در برابر حمله احتمالی اسرائیل به ایران عمل می‌کند را تهدید می‌کند. حتی می‌تواند اثری دومینووار بر نیروهای طرفدار ایران در دیگر بخش‌های خاورمیانه داشته باشد (Azodi and Arman, 2018) از این نظرگاه سوریه محور ژئوپلیتیکی و سنگر قوام‌بخش مبارزه حزب‌الله علیه اسرائیل است. اگر رژیم سوریه سقوط کند جریان تسلیحات و کمک به مهم‌ترین و نزدیک‌ترین حربه بازدارنده خود با مرزهای رژیم صهیونیستی یعنی حزب‌الله با دشواری‌های شدیدی مواجه خواهد شد (Nader, 2015). علی اکبر ولایتی^۴، مشاور عالی رهبر معظم انقلاب هنگام سفر به سوریه می‌گوید: «سوریه ستون مهم محور مقاومت توصیف است. این محور از تهران آغاز می‌شود و تا بغداد، دمشق، بیروت و فلسطین امتداد می‌یابد. این محور مقاومت در برابر مهاجمین وابسته به اسرائیل و آمریکا است. نیروهای

¹ -deterrence

² -red lines

³ -asymmetric deterrent

⁴ - Ali Akbar Velayati

تحت رهبری ایران همچنان رویارویی آمریکا و متحدانش بر روی زمین ادامه خواهند داد و هرچه زمان بیشتر می‌گذرد، احتمال پیروزی جبهه مقاومت افزایش می‌یابد. حضور من برای تقویت دیپلماسی مقاومت است» (Majidiyar, 2018)

تیپ فاطمیون

این گروه در ۲۲ اردیبهشت سال ۱۳۹۲ شمسی با حضور ۲۲ نفر در منطقه زینبیه سوریه اعلام موجودیت کرده و امروز نیز بانام لشکر فاطمیون یا لواء فاطمیون شناخته می‌شود. هسته اولیه تیپ فاطمیون از اعضای سپاه محمد (ص) و تیپ ابوذر و همچنین افغانستانی‌های مقیم سوریه بوده‌اند. بنیان‌گذار این گروه علیرضا توسلی ملقب به ابو حامد بود که در ۹ اسفند سال ۱۳۹۳ در منطقه تل قرین در نزدیک مرزهای فلسطین توسط موشک هواییمای بدون سرنشین اسرائیل کشته شد. هدف اصلی تشکیل لشکر فاطمیون شناسایی، سامان‌دهی، آموزش و اعزام داوطلبان افغان تبار جهت پیوستن به جبهه‌های دفاع از حرم حضرت زینب (سلام‌الله علیها) بود. لشکر فاطمیون به دلیل رابطه طولانی‌مدت با جمهوری اسلامی ایران و خطری که از جانب تکفیری‌ها احساس می‌کنند به سوریه اعزام شده‌اند. این گروه به دلیل تجربه جنگی در افغانستان و آشنایی با دوره‌های نبرد چریکی و عملیات نامنظم در طول بحران سوریه نقش‌آفرینی زیادی داشته‌اند و از زمره جنگ‌جویانی می‌باشند که آسیب‌ها و خسارات فراوانی به تروریست‌ها و استحکامات و انبارهای تسلیحاتی آنها وارد ساختند. هم‌اکنون این گروه در مناطق عملیاتی حلب، دمشق، لاذقیه، قلمون و درعا مشغول مبارزه با گروه‌های تروریستی به‌ویژه داعش هستند از این‌رو به‌عنوان یک گروه نیابتی از سوی ایران حمایت می‌شود (Alfoneh, 2017:3). سابقه حضور افغان‌ها در ایران و همچنین پیوند نزدیکی که با مقامات نظامی ایران برقرار ساخته‌اند روند جذب داوطلبانه و اعزام آنها به سوریه را تسهیل ساخته است. عمده جمعیت اعزام‌شده به سوریه نیز از بین قشری هست که برای سالیان مدیدی در ایران زندگی کرده‌اند. به همین دلیل این گروه در عرصه مدیریت تحولات سوریه و مبارزات میدانی نقش حائز اهمیتی ایفا کرده‌اند (Clarke And Smyth, 2017:3). یکی از اعضای این تیپ می‌گوید: «سوریه خاک وطن ما نیست و فقط عقیده و هدف ما دفاع از حرم حضرت زینب و حضرت رقیه (س) است. ما باید در این راه شهید بدهیم تا آن ثمره و نتیجه را مشاهده کنیم. تا زمانی که شهید ندهیم به هیچ‌چیزی دست نخواهیم یافت. شما یک نهال را آب می‌دهید تا درخت شود و ثمره و میوه خوبی را به شما بدهد، در مورد شهیدان هم همین‌طور است؛ ما با خون شهدا به این نهال آب می‌دهیم تا به ما ثمره و نتیجه‌ای را که می‌خواهیم بدهد» (مشرق، ۱۳۹۴). این تیپ در طول بحران سوریه در نبردهای مختلفی حضور یافته و افراد زیادی از آنها نیز مجروح یا شهید شده‌اند. حسین نصرالله رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان ری در همین رابطه می‌گوید: «شهرستان ری ۱۳۰ شهید مدافع حرم تقدیم حریم آل الله کرده است که پس از قم دومین شهرستان در تعداد شهدای مدافع حرم محسوب

می‌شود. شش تن از شهدای مدافع حرم شهرستان ری ایرانی و بقیه از اتباع افغانستان و پاکستان هستند که رزمندگان افغانستانی عضو لشکر فاطمیون، پاکستانی‌ها عضو تیپ زینیون و هم‌وطنان مدافع حرم ایرانی عضو تیپ فاتحین هستند» (نصرالله، ۱۳۹۶).

تیپ زینیون

زینیون از دیگر گروه‌های نقش‌آفرین در بحران سوریه هست که به‌منظور محافظت از حضرت زینب کبری (سلام‌الله علیها) و به طرفداری و حمایت از دولت مرکزی سوریه به ایفای نقش پرداخته است. این گروه بیشتر متشکل از پاکستانی‌های مقیم ایران و شیعیان ساکن پاکستان است. در طول نبرد سوریه دو گروه زینیون و فاطمیون همکاری قابل‌توجهی جهت مقابله با گروه‌های تروریستی داشتند. در همین رابطه در شانزدهمین اجتماع مدافعان حرم با عنوان گرامیداشت شهدای تیپ زینیون و با شرکت بسیاری از داوطلبان جدید مدافع حرم پاکستانی بیانیه‌ای صادر شد که در بخش‌هایی از آن این‌گونه اشاره شده که: «سربازان پولادین اراده‌ی تیپ زینیون نیز چون همه مدافعان حرم و حریم اهل بیت (علیهم‌السلام) از جبهه مقاومت در سرزمین‌های اشغالی گرفته تا فرزندان جهاد و مقاومت در بحرین و یمن، با استمداد از امدادهای الهی و با اعتماد به وعده راستین او و با نیت لبیک به ندای هل من ناصر حسین زمانشان و خشنودی نائب بر حق ایشان امام خامنه‌ای که چون پدری مهربان و خورشیدی روشن امید و پناهگاه مجاهدان و عدالت‌خواهان سرتاسر جهان هست، در دفاع از آرمان‌ها و مبانی دینی خود به پا خاسته‌اند و تا خشک شدن ریشه‌های کفر و تکفیر و اسلام آمریکائی و رسوایی حامیان و پشتیبانان آن‌ها آرام نخواهند نشست» (خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۵).

تیپ زینیون پاکستان به مناسبت نابودی سیطره داعش بر سرزمین‌های اسلامی در پیام تبریکی خطاب به فرمانده نیروی قدس این‌گونه بیان می‌کنند که: «اینک مفتخریم که رزمندگان سلحشور زینیون باتجربه دفاع در مقابل وهابیان، در سرزمین خود پاکستان با لبیک‌گویی به ولی امر مسلمین جهان و تحت فرماندهی جنابعالی در جبهه مقاومت با آموزه‌های ارزشمند هشت سال دفاع مقدس جانانه از حرم حضرت زینب (س) دفاع نمودند و با پذیرش صحنه‌های خطر و به وجود آوردن حماسه‌های جاودانه، جنگ با داعش را تجربه کرده و بی‌شک آثار این تجارب گرانسنگ در بدنه این نیروی مقاومت زینیون با درخشندگی به یادگار خواهد ماند» (مشرق، ۱۳۹۶).

انصار الله یمن

شیعیان حوثی یکی از گروه‌های قدرتمند هستند که به تازگی وارد محور مقاومت اسلامی گشته‌اند. هر چند در استراتژی سه لایه‌ای ایران قرار نگرفته‌اند، منتها از این نظر که شکست‌های سنگینی به عربستان به عنوان یکی از رقبای منطقه‌ای

ایران وارد ساخته‌اند، کمک زیادی به تقویت هر سه سنگر ایران کرده‌اند. به ویژه آن‌ها اکنون وابستگی زیادی به لحاظ معنوی به ایران پیدا کرده‌اند و حمایت ایران از آن‌ها در طول تجاوز اخیر عربستان در تقویت پیوند آن‌ها با ایران مفید بوده است. محمد عبدالسلام سخنگوی جنبش انصار الله یمن سخنگوی جنبش انصار الله یمن در دیدار با رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌گوید: «ما ولایت شما را امتداد خط پیامبر اسلام (ص) و ولایت امیر المؤمنین (ع) می‌دانیم و مواضع حیدری و علوی شما در حمایت از مردم مظلوم یمن را ادامه خط امام خمینی (ره) و مایه برکت و بسیار روحیه بخش می‌دانیم» (دیدار سخنگوی جنبش انصار الله یمن و هیئت همراه با رهبر انقلاب، ۱۳۹۸/۵/۲۵).

حشد الشعبی

غافلگیری و ناتوانی شدید نیروهای نظامی، اطلاعاتی، ارتش و پلیس فدرال عراق در برابر ظهور داعش و متعاقب آن سقوط چند شهر راهبردی بهره‌گیری از پتانسیل نیروهای بسیج مردمی را اجتناب‌ناپذیر ساخت. به همین خاطر با همکاری ایران و استقبال گسترده مردم یگان‌هایی به نام حشدالشعبی تشکیل شد. ماه جولای ۲۰۱۴ تاکنون تخمین زده شده که ۶۷ گروه نظامی زیر نظیر نیروهای بسیج مردمی عراق تشکیل شده که نزدیک به ۴۰ گروه آن‌ها با سپاه قدس ایران در ارتباط هستند. اگر چه بسیاری از تحلیل گران بر این اعتقادند که حشدالشعبی عمدتاً توسط نیروهای شیعه تشکیل شده است با این وجود نیروهای زیادی از جماعت اهل تسنن، مسیحیان، یزیدی‌ها و ترکمن‌ها به عضویت حشد الشعبی در آمده‌اند. استقبال نسبت به این گروه در عراق به شدت بالا است تا حدودی که دولت عراق اعلام کرده تا تعداد نیروهای این سامان بین ۱۱۰ تا ۱۲۲ هزار نفر می‌باشد. ۷۰ تا ۹۰ هزار نفر از این نیروها به صورت مستقیم در نبردهای سوریه و عراق درگیر بوده‌اند. شواهد حاکی از این است که ۵۰ هزار نفر از این گروه در سه سازمان بدر، عصابات اهل حق و کتائب حزب‌الله و زیر نظر نیروهای برون‌مرزی ایران آموزش‌های لازم را کسب کرده‌اند. به علاوه موفقیت حشدالشعبی در سرکوب گروه‌های تروریستی منجر به حمایت مقام‌های بلندپایه عراق، مقتدی صدر و عمار حکیم و همچنین آیت‌الله سیستانی شده است (A. Heras, 2017:2). رژیم صهیونیستی با وقوف به ارتباط میان ایران و این گروه الشعبی پس از نابودی داعش در عراق برخی مواضع حشدالشعبی را با حملات هوایی هدف قرار داده است. این حملات حاکی از این است که اسرائیل سنگرها یا اهرم‌های بازدارنده ایران از عراق گرفته تا لبنان تهدیدی علیه خود قلمداد می‌کند (nationalinterest, 2019).

عراق

دولت عراق پیشران بسیار مهمی است. در صورتی که دولتی ناهمسو با منافع ایران بر قدرت قرار گیرد و مشابه استراتژی دوران صدام در قبال ایران را در پیش بگیرد اخلال جدی در سیاست سنگربندی برون مرزی ایجاد می شود. در واقع ارتباط بین سنگرها قطع خواهد گردید. این سنگرها هر کدام به مثابه پشتوانه دیگر سنگرها به شمار می روند. مسیرهای زمینی ارتباط ایران با سنگر دوم و سوم اکثراً از طریق خاک عراق عبور می کند. نقشه ذیل مسیرهای عبور نیروهای ایرانی از خاک عراق و سپس عزیمت به سمت سوریه و لبنان است.

نقشه ۲، مسیر عبور نیروهای ایرانی به سوریه و لبنان



Sour: <https://www.csis.org/war-by-proxy/>, 2018

دستاوردهای راهبرد سنگربندی برون مرزی

شواهد و اطلاعات ارائه شده میدانی حاکی از این است که استراتژی سنگربندی برون مرزی دستاوردهای مطلبی را در پی داشته است. مهم ترین پیامدهای این استراتژی عبارت اند از:

تقویت امنیت سرزمینی

جمهوری اسلامی ایران در منطقه ای قرار گرفته که جنگ، درگیری و ناامنی وجوه بارز آن است و محصور شدن در مرزهای جغرافیایی و عدم قدم نهادن در فراسوی مرزها و مشارکت در پویش امنیتی منطقه، به مثابه این است که منطقه ای وسیع در اختیار دشمنان داده شود که در مواقع لزوم تقویت، تجهیز و آماده سازی آن ها به منظور حمله محتمل

باشد. از این نظرگاه توقف در مرزها سرزمینی در گستره جغرافیایی که گرداگرد آن را بحران قرار گرفته است، نخستین مسئله‌ای است که کنشگران خارجی رقیب و دشمن با مشاهده آن تحریک می‌شوند؛ چرا که جملگی بازیگران تیم ایران تنها باید روی خط دروازه قرار گرفته‌اند و صرفاً جلوی حملات مهاجمان نظیر آمریکا، اسرائیل، تروریسم خواهند ایستاد تا اینکه سنگرهای دیگری در حیاط خلوت مهاجمان احتمالی ایجاد کرده باشد. نکته دیگر اینکه استقرار خاک‌ریز در مرزهای حقیقی اگر چه قادر خواهد بود از ورود عناصر مهاجم جلوگیری کند منتها با توسعه صنعت موشکی و سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف دشمن قادر خواهد بود به واسطه این سلاح‌ها به راحتی مناطق مرزی و حتی شهرهای مرکزی را ناامن سازد. استراتژی سنگربندی برون‌مرزی توانسته است تا چنین نگرانی‌های امنیتی را رفع کرده و ایران با کاربست موفقیت‌آمیز آن اکنون قادر است دشمنان منطقه‌ای خود را در فرسخ‌های دورتر از سرزمین اصلی متوقف سازد. در واقع حکمرانان ایران به خوبی توانسته‌اند حاشیه امن و منطقه حائل را بین سرزمین خود و تهدیدات چالش‌آفرین از سوی نواحی غربی برقرار نمایند.

افزایش عمق استراتژیک

عمق استراتژیک^۱ یکی از اصطلاحات امنیتی و نظامی رایج است که در علوم استراتژیک، بحران‌شناسی و جغرافیای سیاسی مطرح است. به طور کلی این اصطلاح بیشتر ناظر بر میزان فاصله‌ی حقیقی میان میدان جنگ و قلمرو ارضی یک کشور است. در حقیقت هنگامی که گفته می‌شود که یک کشوری دارای عمق استراتژیک است مراد این است که آن کشور قادر است تا صحنه نبرد و مقابله با تهدید را از مرزهای سرزمینی خود به دور کشانده و به تعبیری جنگ را به زمین حریف ببرد تا به واسطه فاصله جغرافیایی که ایجاد کرده از میدان جنگ اصلی و به همان نسبت خسارات، آسیب‌ها و تبعات آن تا حد ممکن مصون باشد. در حقیقت کشورهایی که از این توانایی برخوردارند یک سرمایه و مزیت عظیم استراتژیکی دارند که در کشور ایران از آن تحت عنوان عقبه استراتژیک یاد می‌شود. مسئله عمق‌بخشی ژئوپلیتیکی یکی از سیاست‌های راهبردی و اولویت‌دار در منظومه‌الگوی حکمرانی دفاعی - امنیتی ایران بوده که در سپهر استراتژی سنگر سازی برون‌مرزی توانسته در این خصوص موفقیت‌های زیادی کسب کند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران گسترش عمق استراتژیک است. با توجه به اینکه چهار دهه پیش ایران با عراق به عنوان قدرتمندترین کشور عربی که تقریباً همه همسایگان ایران از آن پشتیبانی می‌کردند، جنگ ویران‌کننده‌ای را انجام داد و با توجه به غافلگیری رخ داده نتوانست از ورود نیروهای مهاجم به خاک کشور جلوگیری کند، لذا با عبرت‌آموزی از آن و برای

¹ - strategic depth

تأمین امنیت خود، طرحی را در پیش گرفته که خطوط دفاعی خود را از مرزهای خود دور کند و به طور منظم در تلاش است که عمق استراتژیک خود را افزایش داده است. (OmidSalar,2016:54).

روایت سنگربندی برون مرزی ایران نه تنها به تلاش بر ضد تروریسم گره خورده است، بلکه مهم تر از همه، شامل تلاش ایران برای حفظ عمق استراتژیک^۱ خود در منطقه بود. استراتژی دفاع رو به جلو^۲ - از طریق استفاده از نیروهای نیابتی و حمایت دولت های متحد، نه تنها منجر به غلبه ایران بر نگرانی از تنهایی استراتژیک^۳ (Perteghella,2019:31) شده بلکه عمق استراتژیک ایران را به نحو چشمگیری گسترش و عمق بخشیده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می دارند که: «امروز این اتفاق افتاده است. خیمه ای که اینجا سرپاست، ریسمان ها و میخ های عمیقی که این خیمه در سرزمین اسلامی دارد، در کشورهای دیگر کوبیده شده است. ما در ملت های گوناگون عمق استراتژیک داریم» (بیانات در دیدار دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل های دانشجویی، ۱۳۸۴/۷/۲۴). نقشه ذیل نشان دهنده عمق استراتژیک ایران در شرایط کنونی است.

نقشه ۳، عمق استراتژیک ایران



Source:artishokinteractive,2019

¹ - strategic depth

² - forward defense

³ - strategic loneliness

رفع تهدید سازمان‌های تروریستی

جمهوری اسلامی ایران بعد از ظهور داعش در عراق و سوریه بلافاصله سنگرهای دفاعی خود را فعال ساخت. ایران قدرت‌گیری داعش و جبهه النصره را تهدید مستقیمی برای عراق، سوریه، لبنان و مهم‌تر از همه علیه سرزمین خود قلمداد می‌کند. به همین خاطر تروریسم یک دغدغه جدی به شمار می‌رود. سازمان داعش با نوع عملیات‌ها و نبردهای چریکی و پیشروی‌های اولیه‌ای که داشت در حقیقت بسیار خطرناک و تهدیدی قریب به شمار می‌رفت. از آنجا که عراق با ایران از ناحیه غربی و سوریه با عراق از ناحیه غربی پیوستار جمعیتی و مرزی گسترده‌ای دارد و از آنجا که داعش بر بخش‌های بزرگی از دو کشور سوریه و عراق را نیز کنترل کرده بود، لذا این مسئله مرزهای غربی ایران را در معرض حملات گروه‌های تروریستی قرار می‌داد. باید توجه داشت که اگر سوریه سقوط می‌کرد احتمال سقوط عراق نیز وجود داشت، همین امر داعش را به مرزهای غربی ایران می‌کشاند.

باید توجه داشت که در دوره اوج فعالیت داعش هزاران نفر در طول روز به صورت زنده قربانی حملات شیمیایی، گورهای دسته‌جمعی و جوخه‌های مرگ انفرادی قربانی این گروه تروریستی می‌شدند. این مسئله یادآور وحشیگری استثنایی دوران صدام علیه مناطق مرزی، شهرهای تصرف‌شده و بسیاری از اسرای ایرانی بود. لذا مقابله با این گروه تروریستی یک مسئله زندگی و مرگ برای ایرانیان است. عناصر تکفیری داعش بر خلاف سنی‌های معتدل که زیست و فعالیت سایر ادیان را تحمل می‌کنند، فعالیت و حتی حضور شیعیان را بدعت و نفاق آمیز می‌دانند که باید کشته شوند. لازم به ذکر است که از زمان فعالیت داعش تاکنون هر زمان که نیروهای مقابل خود را شکست داده، مردان را قتل عام کرده و زنان و کودکان را به بردگی گرفت. جامعه‌ی ایزدی، مسیحی، کرد و شیعه قبلاً این سرنوشت را متحمل شده بودند. علاوه بر این، این نگرانی به وضوح وجود دارد که اگر داعش اجازه دسترسی به مرزهای غربی کشور خود را داشته باشد، شهرهای بزرگ و مرزی ایران و در وهله بعد سایر شهرهای استراتژیک هدف حملات غافلگیرکننده‌ی کامیون‌ها و سایر حملات تروریستی قرار خواهند گرفت. از این رو شکست دادن داعش یک نگرانی اساسی برای امنیت ملی ایران بود که نسبت به تمامیت ارضی خود احساس نگرانی و آسیب‌پذیری می‌کند. (OmidSalar, 2016:54). با این وجود به رغم اینکه داعش موفق شد با طرح‌ریزی صورت گرفته و نفوذ به سرزمین ایران و نهایتاً انجام یک عملیات در مجلس و حرم مطهر امام خمینی (ره) تعدادی از ایرانی‌ها را به شهادت برساند، منتها در غایت امر جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نیروها و عناصر قوام‌بخش خود در سنگرهای برون‌مرزی توانست بخش گسترده‌ای از سرزمین‌های تحت تسلط این گروه را باز پس بگیرد. تا جایی که اکنون به طرز قابل‌توجهی خطر داعش از سرزمین، مرزها و مردم ایران دور شده است.

ایجاد پل زمینی به مدیترانه

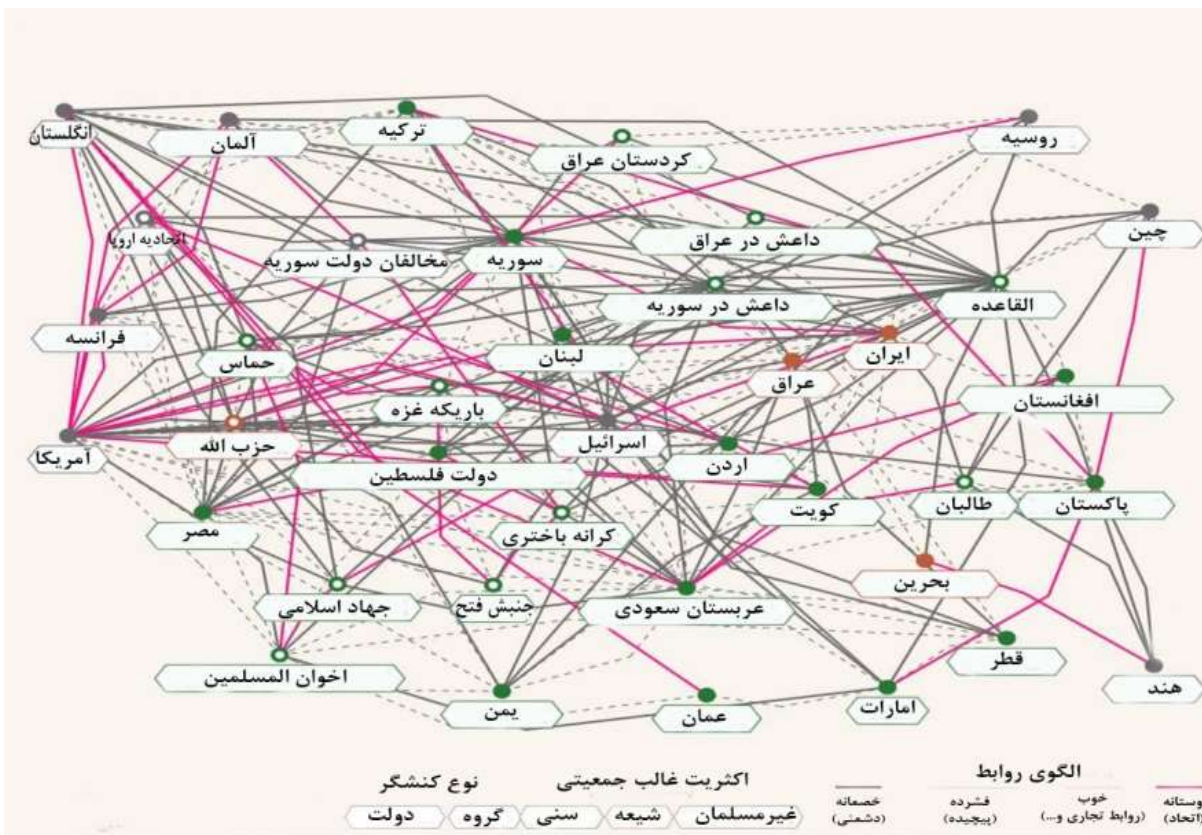
یکی از آرزوهای مهم ایران در خاورمیانه تکمیل یک پل زمینی^۱ یا مسیر زمینی از مرزهای خود تا دریای مدیترانه است. موفقیت ایران در اجرای این پروژه باعث آزادی تقریباً کامل در جابجایی از تهران تا بیروت شده است و جبهه بازدارندگی خود را با اسرائیل از جنوب لبنان تا ارتفاعات جولان گسترش داده است. اهمیت چنین دستاوردی هنگامی برجسته‌تر می‌شود که توجه داشت دایر شدن کریدور یا معبر دسترسی ایران به کرانه‌های مدیترانه شده از زمان امپراتوری پارس که اصلتش به ۲۶ قرن پیش باز می‌گردد تا مقطع زمانی کنونی جلوه خارجی به خود نگرفته است.

جایگاه راهبرد سنگربندی برون‌مرزی در منظومه حکمرانی سیاسی – دفاعی

ایران موفق شده تا به رغم تنوع و تکرر تهدیدات منطقه‌ای و برون منطقه‌ای ناشی از سیاست‌های تقابل جویانه محور غربی، عبری و عربی الگوی موفق از حکمرانی دفاعی – امنیتی را عملیاتی سازد. شبکه موازنه قوا در منطقه غرب آسیا به شدت پیچیده و دشوار است. هر کشوری قادر به پیشبرد منافع و استراتژی‌های خود در درون این شبکه‌ی در هم تنیده، دیگر ستیز، تهدیدآمیز و به شدت رقابتی نیست. توجه به این شبکه در ارزیابی میزان موفقیت یا شکست استراتژی سنگربندی برون مرزی در منظومه سیاست خارجی ایران مهم است. نمودار ذیل نشان دهنده الگوهای روابط در منطقه غرب آسیا است.

نمودار ۱، الگوهای روابط میان کنشگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در غرب آسیا

¹ -land bridge



Source: <http://dovecotstudio.tumblr.com>, 2018

تأمل در شکل فوق در وهله اول پیچیدگی معادله قدرت، رقابت و دشمنی در غرب آسیا را نشان می‌دهد. منتها ایران به پشتوانه استراتژی سنگربندی برون‌مرزی و برخی استراتژی‌های دیگر مغلوب این شبکه پیچیده نشده است. واقعیت مسئله است که کشورهای غربی همواره از سیاست‌های ایران ناراضی بوده و آن را خلاف منافع منطقه‌ای و جهانی خود قلمداد می‌کنند از این رو بارها از تهدید به حمله نظامی علیه ایران با شعاری تحت عنوان پایان رسمی ایران^۱ نام می‌برند. منتها باید بیان داشت که سیاست سنگربندی برون‌مرزی ایران و باز کردن جبهه‌های جدیدی به روی این کشورها آن‌ها را در حمله نظامی علیه ایران مردد و ناکام ساخته است؛ به همین خاطر این نسخه الگویی موفق و آزموده شده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می‌دارند که: «عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی اند. صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن

¹ -official end of Iran

همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه» (خامنه ای، ۱۳۹۷: ۶).

اکنون گروه‌های نیابتی و هم‌پیمانان دولتی ایران در سطح منطقه غرب آسیا قادر خواهند بود مواضع کشورهای مهاجم را در سطح وسیع مورد تهاجم قرار دهند و حتی در صورت حمله جرقه جنگ‌های طولانی مدتی را علیه آنها رقم بزنند. لذا به باور بسیاری از اندیشمندان و سیاست‌گذاران غربی با توجه به اینکه ایران از یک سو توانایی‌های نظامی ویژه‌ای کسب کرده است و از سوی دیگر هم‌اکنون بسیاری از اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای خود را به هم‌پیمانان غیردولتی نظیر حزب‌الله لبنان و اسپاری کرده است در نتیجه حمله علیه ایران یک اشتباه برگشت‌ناپذیر^۱ با نامعلوم خواهد بود (Saleh, 2019). به همین خاطر ایران در یک سیاست روبه جلو دشمنان را خارج از فضای سرزمینی خود متوقف ساخته است. از این نظرگاه راهبرد سنگربندی برون‌مرزی با هدف کسب امنیت برای سرزمین اصلی در بحران‌های اخیر سوریه و عراق به محک آزمایش گذارده شده و اهمیت و ضرورت آن در دفع تهدید و خطر گروهک‌های تروریستی روشن گردید. رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان یکی از معماران راهبرد سنگربندی برون‌مرزی در این خصوص بیان می‌دارند که: «در خود منطقه‌ی غرب آسیا -در سوریه، در عراق، در جاهای دیگر- این همه هزینه کردند؛ چقدر هزینه کردند که داعش را به وجود آوردند؛ حالا می‌گویند ما داعش را نابود کردیم؛ شما غلط کردید نابود کردید. شما نابود کردید؟ داعش را جوان‌های سوریه و جوان‌های عراق و جوان‌های ایران نابود کردند، نه شما. اولاً شما داعش را به وجود آوردید، ثانیاً خرج زیادی کردید، سلاح و امکانات و پول بهشان دادید؛ خرج زیادی کردید، امکانات تبلیغی به آنها دادید. اینجا یکی از سران کشورها به من گفت که ما از بالا، از ماهواره می‌بینیم ردیف ماشین‌هایی را که دارند نفت را برای این‌ها می‌برند می‌فروشند و هواپیماهای آمریکایی هم این بالا راه می‌روند و از این‌ها حفاظت می‌کنند؛ حالا حمله که نمی‌کند، یک مواردی حفاظت هم می‌کنند؛ اما خب همین‌طور که گفتم همت جوانان مؤمن در آن کشورها و در کشور ما داعش را نابود کرد، از بین برد؛ حالا می‌گویند بکلی از بین نرفتند، خیلی خب دوباره هم بیایند دوباره همان است؛ ان عَادَتِ الْعَقْرَبُ عُدْنَا لَهَا؛ عقرب را با کفش زد له کرد، گفت اگر دوباره هم بیاید دوباره همین کفش دستم است، باز هم می‌زنم» (بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه، ۱۰/ ۷/ ۱۳۹۸).

لازم به ذکر است که کشورهای غربی به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی و متحدان عربی آن یعنی عربستان و امارات با توجه به اینکه استراتژی سنگربندی برون‌مرزی ایران را ترجمانی از کاهش و تضعیف موقعیت منطقه‌ای خود قلمداد می‌کنند، درصدد ایجاد اختلال در این سنگرها هستند. تا حدی که ناآرامی‌های اخیر در کشور عراق و مشخصاً حمله به

¹ -irreversible mistake

مواضع گروه‌های همسو با ایران همچون عصاب اهل حق و سازمان بدر و حشدالشعبی نشان از این دارد که راهبردهایی به منظور مقابله با این سنگرها دارند. تحولات عراق نشئت گرفته از مطالبات مدنی بود متنها کنشگران رقیب و دشمن ایران از مطالبات به عنوان دستاویزی استفاده کردند. مسئله آنگاه اهمیت پیدا می کند که اخیراً فرمانده عصاب اهل حق در عراق که ارتباطی با فساد و ناکارآمدی سیستم اقتصادی و قانونی و مدنی عراق نداشت توسط افراد ناشناس به شهادت رسید. یا همین مسئله در لبنان به عنوان سنگر دفاعی سوم ایران نیز قابل تبیین است. مردم به واسطه نارضایتی از سیاست‌های دولت حول محور افزایش قیمت حامل‌های انرژی اعتراضات مدنی خود را شروع کرده، متنها در اثنای تظاهرات شعارهایی ضد ایرانی ضد حزب‌الله مطرح شده بود. هم‌راستا با آن مدیریت تحولات نیز نه در فضای حقیقی بلکه توسط کانال‌های مجازی در خارج از لبنان اداره می‌شد. حال این مسئله مطرح می‌شود که در صورت فقدان چنین سنگرهای برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران با دشمنان خارجی خود در همسایگی قرار می‌گرفت و بسیار محتمل بود با نفوذ در لایه‌های امنیتی - دفاعی کشور به مانند آنچه در حوادث مجلس و حرم مطهر امام خمینی (ره) رخ داد برخی آسیب‌های انسانی و مادی به کشور وارد سازند متنها اکنون آمریکا و عربستان واقف هستند که در صورت حمله به سرزمین ایران با لایه‌های دفاعی مختلفی از جانب این کشور مواجه می‌شوند. لذا در صورت شروع نبرد، صحنه درگیری در مرزهای دشمنان ایران خواهد بود. از این رو از چنین اقدامی اجتناب می‌کنند (Bodansky, 2019:7). لذا آزمایش موفقیت‌آمیز این راهبرد سنگربندی برون‌مرزی و تقویت عناصر قوام‌بخش در سنگرها در منظومه حکمرانی دفاعی - امنیتی ایران اهمیت حیاتی دارد و پیوسته در تلاش است تا آن را توسعه و تحکیم بخشد.

نتیجه‌گیری

واحد‌های سیاسی در تلاش هستند تا با بهره‌گیری از ایده‌های مناسب و کاربرست به موقع و دقیق آن، سرزمین خود را از تهدیدات خارجی محتمل و متصور مصون سازند؛ اما تنها تعدادی از کنشگران قادر خواهند بود ایده‌های تدوین شده را در عرصه عمل پیاده سازند، تاکنون برخی در این راه موفق شده و عده‌ای نیز هنگام اجرای ایده‌ها شکست خورده‌اند. حکمرانان در تلاش هستند تا ایده‌های امنیتی - دفاعی خود را در نهایت دقت انتخاب کرده و کاربرست دهند؛ زیرا واقف هستند که پایه‌ای‌ترین و برجسته‌ترین کار ویژه‌ای که در وهله اول توسط مردم از آن‌ها مطالبه می‌شود امنیت دفاعی - سرزمینی پایدار است... تابعان انتظار دارند تا حکمرانان امنیت بیشینه‌ای را برای آن‌ها پدیدار سازند تا در سایه آرامش، ثبات و هم‌راستا با خدمات عمومی ارائه شده توسط دولت فعالیت‌های توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی خود را انجام دهند. الگوی حکمرانی دفاعی جمهوری اسلامی ایران به منظور برقراری امنیت ملی - و مشخصاً در بعد خارجی - راهبردها و تاکتیک‌های زیادی نظیر سنگر سازی برون‌مرزی را به مرحله آزمایش گذارده

است. به همین خاطر سؤال اصلی پژوهش این بود که استراتژی سنگربندی برون‌مرزی در منظومه‌ی حکمرانی دفاعی - امنیتی ایران از چه اهمیت و جایگاهی برخوردار است؟ استراتژی سنگربندی برون‌مرزی ایران متشکل از سه لایه‌ی دفاعی در عراق، سوریه و لبنان بوده و حکمرانان این کشور در سپهر نقش‌آفرینی عناصر قوام‌بخشی نظیر سپاه قدس، حزب‌الله لبنان، اتحاد با کشورهای سوریه و عراق، حشد الشعبی و داوطلبان شیعه همچون فاطمیون و زینبیون، سعی در پیاده‌سازی این الگو دارند... هدف مرکزی کلان استراتژی سنگر سازی برون‌مرزی، عقب راندن تهدیدات پیش روی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از شبکه‌های نیابتی تحت حمایت و هدایت است. ایران نیز به مانند دیگر کشورها در تلاش است که از موزان بودن عناصر چالش‌برانگیز با مرزهای رسمی خود جلوگیری کند. الگوی موفق حکمرانی دفاعی - امنیتی ایران در کاربست استراتژی سنگربندی برون‌مرزی منجر به افزایش عمق استراتژیک، امنیت سرزمینی و دایر شدن کریدور یا معبر دسترسی ایران به کرانه‌های مدیترانه شده که از زمان امپراتوری پارس که اصلتش به ۲۶ قرن پیش باز می‌گردد تاکنون رخ نداده است. از سوی دیگر همین راهبرد نقش پایه‌ای در خنثی ساختن اهداف و طرح‌های تهاجمی آمریکا، رژیم صهیونیستی، سازمان‌های تروریستی - تکفیری و گروه‌های نیابتی عربستان و امارات دارد.

منافع و مآخذ

فارسی

- عباسی، ابراهیم و دیگران (۱۳۹۵)، الگوی امنیتی بازدارندگی در تنگه هرمز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷، شماره پیاپی ۴۷، صص ۵۹ - ۸۰.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: نشر میزان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴)، بیانات در دیدار دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، (تاریخ دسترسی ۵ / ۸ / ۱۳۹۸)، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۱۵>

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸)، دیدار سخنگوی جنبش انصارالله یمن و هیئت همراه با رهبر انقلاب، (تاریخ دسترسی ۱۴ / ۷ / ۱۳۹۸)، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۴۳۲۳۶>

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، (تاریخ دسترسی ۲۹ / ۷ / ۱۳۹۸)، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>

- خامنه ای، سید علی (۱۳۹۸)، دیدار هزاران نفر از فرماندهان سپاه با رهبر معظم انقلاب اسلامی، (تاریخ دسترسی ۸/۲/۱۳۹۸)، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۴۳۶۱۵>

- خامنه ای، سید علی (۱۳۷۳)، بیانات رهبر انقلاب اسلامی در خطبه های نماز جمعه، (تاریخ دسترسی ۲۹/۷/۱۳۹۸)، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۴۱۰>

- خامنه ای، سید علی (۱۳۹۷)، بیانات رهبری در دیدارهای با خانواده های شهدای مدافع حرم، (تاریخ دسترسی ۷/۳/۱۳۹۸)، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41853>

لاتین

- Khan, Shahedul(2010), Good Governance And National Security, Biiss Journal, Vol. 31, No. 4.
- Rajmil,Daniel(2015),The Middle East; Deterrence And Nuclear Deterrence,Journal Of The Spanish Institute For Strategic Studies,N,6.
- Gisselquist, Rachel(2012), What Does Good Governance Mean?Policy Paper, The United Nations University (Unu).
- Ali, Muhammad(2013), Governance And Good Governance: A Conceptual Perspective, The Dialogue, Volume X Number 1.
- Lippman,Walter(1943), Us Foreign Policy: Shield Of The Republic,Boston: Little Brown.
- Jolfers,Arnold(1962),National Security As An Ambiguous Symbol", Political Science Quarterly (New York), No.67.
- Heras,Nicholas (2017), Iraq's Fifth Column: Iran's Proxy Network, The Middle East Institute, Policy Paper 2017-02
- Perteghella, Annalisa(2019), Iran In Iraq And Syria: Be Careful What You Wish For, Italian Institute For International Political Studies,Policy Paper,Commentary.

- Azodi,Sina And Mahmoudian, Arman (٢٠١٨), Iran's Alliance With Russia In Syria: Marriage Of Convenience Or Strategic Partnership? Atlanticcouncil,Policy Paper.
- Nader,Alireza (2015), Iran's Goals In Syria, The Rand Corporation,Policy Paper.
- Sadjadpour,Karim(2018), Iran's Unwavering Support To Assad's Syria,Combating Terrorism Center, Syria Special Issue, Volume 6, Issue 8.
- Majidiyar,Ahmad(2018),Top Khamenei Advisor Visiting Syria Says Iranian-Led Forces Will Expel Us From Region,Available At: <https://www.mei.edu/publications/top-khamenei-advisor-visiting-syria-says-iranian-led-forces-will-expel-us-region>.
- Yan, Holly(٢٠١٣), Syria Allies: Why Russia, Iran And China Are Standing By The Regime,Available At: <https://edition.cnn.com/2013/08/20/world/meast/syria-iran-china-russia-supporters/index.html>
- Alfoneh, Ali(2008), What Do Structural Changes In The Revolutionary Guards Mean? Aeideas, September 23, Available: <https://www.aei.org/publication/what-do-structural-changes-in-the-revolutionary-guards-mean/>
- Saleh,Alam(2019),Trump Is Right About Iran, Yet Wrong,Available At: <https://www.e-ir.info/2019/07/25/trump-is-right-about-iran-yet-wrong/>
- Omidshahar,Mahmoud(2016), Syrian Conflict: The Iranian Perspective,Available At: <http://www.iranreview.org/content/documents/syrian-conflict-the-iranian-perspective.htm>
- Nationalinterest(2019), Why Iraq Is Ripe For Conflict With Israel, Available At: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/why-iraq-ripe-conflict-israel-75956>
- Bodansky, Yossef(2019), Has Iran Won The War For The Middle East?Available At: <https://oilprice.com/Geopolitics/Middle-East/Has-Iran-Won-The-War-For-The-Middle-East.html>
- United Nation(1997)Un Document - A/52/1, Good Governance, Human Rights And Democratization, Annual Report Of The Un Secretary-General On The Work Of The Organization.